

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ اسفند ۱۳۹۵  
مصادف با: ۲۲ جمادی الاول ۱۴۳۸  
جلسه: ۴۳

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد  
موضوع جزئی: معنای صراط مستقیم

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

نتیجه مطالب چهار گانه: معنای صراط مستقیم

مقدمتاً گفتیم برای ایضاح معنای صراط مستقیم، مطالبی را باید عرض کنیم، چهار مطلب تا به اینجا بیان شد، محصل و نتیجه مطالبی که به عنوان مقدمه گفته شد این است که صراط مستقیم، به معنای راهی است که در آن به طور کلی هم فکر و هم قلب و روح انسان و نیز اعضا و جوارح انسان خالی از شرک و ضلالت و بدور از گمراهی و ظلم و همراه با توحید مطلق باشد، یعنی حتی در عمق ذهن انسان خاطرات ناشایست نباشد، در عمق ذهن انسان توحید به معنای واقعی، اینکه «لا مؤثر فی الوجود الا الله» توحید ذاتی و توحید علمی و توحید عملی، اگر این اعتقاد باشد هیچ شرک و ضلالتی در آن نیست و در نتیجه ظلم محقق نمی‌شود، چون شرک و ضلالت بر طبق آیات قرآن مساوی با ظلم است. این از آیات قرآن بدست می‌آید که هر شرکی ضلالت است و در عین حال هر ضلالتی شرک است و بزرگ‌ترین ظلم شرک به خدا است، لذا کسی که از شرک و ضلالت دور باشد ظلم به خدا ندارد و به دیگران هم ظلم نمی‌کند، چون ظلم اقسامی دارد، ظلم به خداوند، ظلم به خویشتن و ظلم به مردم و دیگران، کسی که به این مرحله از توحید برسد که به خدا ظلم نکند، قطعاً به خود و مردم هم ظلم نمی‌کند، اگر می‌بینیم که ظلم به مردم و ظلم به نفس صورت می‌گیرد، ریشه آن ظلم به خدا می‌باشد، چون شرک یا ضلالت و گمراهی در طریق برای او رخ داده است لذا ظلم به دیگران و ظلم به خودش هم می‌کند، کسی که خداوند را رب الارباب و تنها مؤثر در عالم وجود بداند، کسی که در ذهن خود برای غیر خدا حسابی باز نکند و در مقام عمل و در زندگی هم واقعاً همه امور را به سوی او بداند، کأن به خداوند در حد ممکن معرفت پیدا کرده است، وقتی که معرفت به خدا پیدا کند به او ظلم نمی‌کند، یعنی حقوق، واجبات و تکالیفی که به عهده او می‌باشد انجام می‌دهد، وظایف جوارحی و تکالیف جوانحی، همه را مراعات می‌کند، در دام شیطان گرفتار نمی‌شود، چنین آدمی در حقیقت ظلم به نفس نکرده است، و چنین آدمی وقتی با دیگران مواجه می‌شود حقوق آنها را تضییع نمی‌کند و مراقبت بر حقوق دیگران دارد، در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که شرک و کفر را از مصادیق بارز ظلم دانسته است مثل آیه «إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۱</sup>، می‌گوید: شیطان که خود منشاء همه آن جرم‌ها و خطاها می‌باشد بعد از این همه خیانت و اضلال، در قیامت می‌گوید: من به آنچه که شما انجام می‌دادید و من را شریک جرم خود می‌دانستید کفر می‌ورزم و بیزار هستم، چون ستمگران و ظالمان «لهم عذاب الیم»، در

۱. سوره ابراهیم: آیه ۲۲.

این آیه شرک به خدا در حقیقت به عنوان ظلم معرفی شده و قطعاً در صراط مستقیم این نقص و آفت وجود ندارد و در آن شرک نیست.

پس صراط مستقیم یک راهی است که در آن تمام اجزاء و تمام جزئیات فکر و روح و قلب و عمل انسان به سوی حق تعالی است و هیچ حفره‌ای در آن وجود ندارد، برای همین است که در روایات اهل بیت و ائمه معصومین به عنوان صراط مستقیم معرفی شده‌اند.

### مصادیق صراط مستقیم

تعبیری که در روایات درباره صراط مستقیم وارد شده مختلف است، به عنوان مثال به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «عن امیر المومنین ع، و اما قوله اهدنا الصراط المستقیم، فذلک الطريق الواضح من عمل فی الدنیا عملاً صالحاً فانه یسلک علی الصراط إلی الجنة»<sup>۱</sup>، می‌فرماید: منظور از صراط مستقیم یک راه روشن است، کسی که در دنیا عمل صالح انجام دهد، این دارد بر روی صراط به سمت بهشت حرکت می‌کند، این خود قرینه‌ای است بر این که صراط که در آیات و روایات وارد شده است در همین دنیا می‌باشد، پل صراط که در قیامت گفته می‌شود، یک بخش و یک وجه آن همین است، کسی که در این دنیا عمل صالح انجام می‌دهد یعنی دارد بر روی صراط به سوی بهشت می‌رود، البته در بعضی روایات داریم که یک صراط در دنیا داریم و یک صراط در آخرت، ولی اجمالاً طبق این بیان صراط یعنی عمل صالح.

۲. در روایتی از امام صادق (ع) درباره «اهدنا الصراط المستقیم» این چنین فرموده: «الطریق و معرفة الامام»<sup>۲</sup>، این صراط مستقیم است، یعنی امام را بشناسی و در آن راه حرکت کنی، راه و شناخت امام.

۳. در بعضی روایات هم تطبیق شده بر دین، رسول خدا(ص) می‌فرماید: «اهدنا الصراط المستقیم» یعنی «دین الله الذی نزل جبرائیل علی محمد(ص)»<sup>۳</sup>، صراط مستقیم، همان دینی است که خداوند بر پیامبر نازل کرده است.

۴. در روایتی از مفضل بن عمر وارد شده است که «سألت ابی عبدالله عن الصراط، و قال: هو الطريق إلی معرفة الله عزوجل»<sup>۴</sup>.

اینها روایاتی هستند که بطور کلی صراط مستقیم را بر دین، معرفت امام، معرفة الله، و عمل صالح تطبیق کرده است.

۵. در بعضی روایات بخصوص نام امیرالمؤمنین(ع) و اهل بیت برده شده است، «عن الصادق(ع): الصراط المستقیم امیرالمؤمنین(ع)»<sup>۵</sup>.

۶. از امام سجاد(ع) وارد شده است که «نحن ابواب الله و نحن صراط المستقیم»<sup>۶</sup>.

۷. «عن الصادق(ع): والله نحن صراط المستقیم»<sup>۱</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۶۱.

۲. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱.

۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۲۸.

۴. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱.

۵. معانی الاخبار، ص ۳۲.

۶. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۲.

ملاحظه فرمودید در بعضی از روایات صراط مستقیم منطبق بر دین شده است، در برخی تطبیق بر عمل صالح شده است، و در بسیاری از این‌ها تطبیق بر امام معصوم (ع) و خود پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت شده است. جمع‌بندی روایاتی که درباره صراط مستقیم وارد شده همین مطلبی است که عرض کردیم، صراط مستقیم اگر انطباق بر امام معصوم پیدا می‌کند برای این است که امام معصوم از خود پیامبر گرفته و اهل بیت عصمت و طهارت این ویژگی‌ها را دارند، یعنی در کمال اعتقاد و توحید اعتقادی هستند، یعنی در عمق باور و ذهن آنها «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، برای خودشان هیچ شأنی قائل نیستند، عمل آنها، عمل صالح است، آنها از عمل صالح چیزی فروگذار نمی‌کنند، هر عمل صالحی که متصور باشد و متناسب با ظرف زمانی و مکانی از آنها سر می‌زند، تمام جوانح آنها آمیخته با یاد خداوند و توحید است، هیچ قصوری در اطاعت ندارند، معصیت خدا را ندارند، بر این اساس صراط مستقیم یعنی نحوه سلوک و زندگی امام معصوم.

#### دفع یک توهم:

همین‌جا از جمله خطاهایی که صورت می‌گیرد این است که بعضی گمان می‌کنند اهل بیت که می‌گویند صراط مستقیم، یعنی کأن راه سعادت فقط این است که ما اسماً و لفظاً ولایت اهل بیت را بپذیریم، ولی اگر در عمل بین ما و آنها فاصله باشد مهم نیست، این اشتباه است، اگر گفته می‌شود که اینها صراط مستقیم هستند، یعنی یک مدل و الگویی که ما باید در زندگی سر مشق خود قرار دهیم، این صراط مستقیم است، هرچه تلاش کنیم بهره ما از سلوک پیامبر و معصومین بیشتر شود، به صراط مستقیم نزدیکتر شدیم، اگر کسی دین پیامبر را بپذیرد، ایمان به خدا بیاورد، عمل صالح انجام دهد، خدا را بشناسد، امام را بشناسد و بداند چگونه باید زندگی کند، و قصور در اطاعت نداشته باشد و معصیت خدا نکند، توحید واقعی را در عمق اعتقاد و رفتار باور داشته باشد، این صراط مستقیم می‌شود، ما الان در صراط مستقیم نیستیم، ما در سبیلی از سُبُل الهی هستیم، اگر از خدا می‌خواهیم ما را در صراط مستقیم هدایت کند، یعنی ما را به آن نزدیک‌تر کند.

پس صراط مستقیم یعنی ایمان خالی از شرک ضلالت، عمل صالحی که در آن قصور نیست، معرفتی از امام که ما را ملزم به حرکت در مسیر آنها کند، و معرفتی از خدا که هیچ نحوه ظلم نه نسبت به خداوند، نه نسبت به نفس، نه نسبت به دیگران در آن نباشد، این صراط مستقیم است، آنوقت این صراط، صراطی است که امنیت کامل دارد، آنهایی که در این صراط هستند قطعاً به مقصد می‌رسند، آنهایی که در این صراط هستند به طور تضمینی اهل نجات و سعادت هستند، اختلاف در این صراط نیست، امنیت و اطمینان از وصول به مقصد در این صراط است. ولی همان‌طور که قبلاً هم گفته شد خداوند راه‌های متعددی به سوی خود معرفی می‌کند، سُبُل الهی با صراط مستقیم فرق می‌کند.

۱. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱.

## نسبت بین صراط مستقیم و سبیل الهی

دو توضیح و توجیه برای نسبت بین صراط مستقیم و سبیل خداوند می‌توان ذکر کرد، می‌گوییم: سبیل مؤمنین، سبیل مجاهدین، سبیل منیبین، سبیل عالمین، سبیل متقین، اینها همه سبیل به سوی خدا هستند، صراط مستقیم در واقع یک شاهراهی است که همه‌ی حقیقت و همه آنچه که به عنوان نور قابل تصور است در آنجا وجود دارد، سبیل‌های دیگر هرکدام یک بهره‌ای از حقیقت صراط مستقیم را دارند، و در عین حال کمبودهایی دارند، در صراط مستقیم کمبود نیست، همه حقیقت آنجا است، اما در سبیل الهی هم نقص وجود دارد و هم امتیاز، لذا می‌بینیم کسانی که در یک سبیل خاص الهی حرکت می‌کنند، گاهی مشکلاتی پیدا می‌کنند، از یک جهت امتیازاتی دارند و از یک جهت نقصهایی در آنها وجود دارد، امثال ما (اگر خوش‌بین باشیم) در این سبیل الهی حرکت می‌کنیم که هم نقص‌هایی در ما وجود دارد و هم آفت‌هایی دارد، هرچه بهره سبیل از صراط مستقیم کمتر باشد، آن راهرو را کمتر به سوی خدا می‌برد، هرچه بهره سبیل از صراط مستقیم بیشتر باشد راهرو را بیشتر به سوی خدا سوق می‌دهد. درصد اطمینان وصول به مقصد در سبیل مختلف الهی بستگی به این دارد که چه مقدار از آن صراط مستقیم بهره‌مند باشد، بسیاری از ما، تک بعدی هستیم، وقتی ذهن و رفتار و زندگی در یک بعد برجسته می‌شود از افعال دیگر غافل می‌شویم، نمی‌توانیم بگوییم، یک عارف عزلت نشین، بریده از اجتماع، صائم النهار قائم اللیل، رو به سوی خدا ندارد بلکه او هم به سوی خدا می‌رود، ولی بهره‌ای که این دارد با بهره عابد عارفی که در متن اجتماع حضور دارد و دستگیر مردم است و به رفع نیازهای مردم اهتمام می‌ورزد کاملاً متفاوت است، طی مسیر در سبیل عزلت نشینی به تنهایی از یک جهت امتیاز است ولی نقص‌ها و آفت‌های زیادی دارد و با صراط مستقیم فاصله دارد، صراط مستقیم امیرالمؤمنین است که آنطور عبادت می‌کند و آنگونه می‌جنگد و آنگونه با یتیم برخورد می‌کند و حکومت و ریاست برای ایشان هیچ ارزشی ندارد. کسی ممکن است اهل دستگیری از مردم باشد اما در توحید و عبودیت خود مشکل داشته باشد، این هم یک بهره‌ای از صراط مستقیم دارد، ولی بهره او اندک است، به هر میزانی که بهره می‌برد به سوی خدا حرکت می‌کند، اما این حرکت کند است و راه آن دور است و در عین حال خطر دارد، اینکه می‌گوییم خطر دارد به این معناست که کسی که در گوشه غار سالهای سال زندگی کرده و به عبادت مشغول بوده است، اما وقتی این انسان یک روز داخل شهر می‌شود و با یک چهره زیبا برخورد می‌کند و دل او می‌لرزد و همه را به باد می‌دهد، این یعنی آن خطری که در کمین او بود، این یعنی اینکه در صراط مستقیم نبوده است، اگر در صراط مستقیم بود این آفت‌ها را نداشت و نقص نداشت. هرچه بهره انسان از صراط مستقیم کمتر باشد ریسک وصول به مقصد برای او بالاتر است و خطر آن بیشتر است و آفتهای بیشتری در انتظار او هست.

پس ما یک صراط مستقیم به سوی خدا داریم و یک سری سبیل الهی، «من جاهد فینا لنهدينهم سبلنا» در آنجا هم هدایت به سبیل الهی هست، اما نسبت سبیل الهی با صراط مستقیم چیست، یک صراط مستقیم داریم که همه حقیقت در آن است و یک سری سبیل الهی داریم که هرکدام بهره‌ای از صراط مستقیم دارند.

با آن تفاوت‌هایی که گفتیم برای صراط مستقیم و سبیل الهی در اینجا معلوم می‌شود که در صراط مستقیم امنیت و اطمینان و آرامش وجود دارد اما اطمینان و امنیت در سبیل الهی پایین‌تر است، خطر آن بیشتر است، امکان عدم وصول به مقصد است، امکان اینکه در بین راه توقف و عقب‌گرد کند وجود دارد.

حال با توجه به این مطلب، نسبت بین صراط مستقیم و سبیل یکی از این دو وجه می‌باشد:

۱. یا در واقع مجموع آن سبیل با هم می‌شوند صراط مستقیم، پس صراط مستقیم همه آن سبیل‌ها می‌باشد، یعنی اگر همه آن سبیل الهی را کنار هم بگذاریم، مثلاً فرض بفرمایید یک راه عمل به احکام است، یک راه تصفیه درون و آراسته شدن به فضایل اخلاقی است، یک راه معرفت خداوند و امام است، هر تکلیفی، هر فضیلت اخلاقی، هر شناختی در هر درجه - ای یک سبیلی به سوی خداست، معرفت به سوی خدا یک سبیل است، دین یک سبیل است که خود شاخه‌های مختلف دارد، عمل صالح، پرهیز از معصیت و غیره، همه سبیل هستند، مجموع این سبیل‌ها با هم صراط مستقیم می‌شود، چون اهل بیت و ائمه عصمت و طهارت همه این سبیل‌ها را باهم دارند صراط مستقیم هستند.

۲. این راه‌ها علی‌رغم تعدد همه منتهی به یک شاهراه به نام صراط مستقیم می‌شوند، این راه‌های فرعی بعد از آنکه باهم متصل می‌شوند صراط مستقیم می‌شوند، یعنی تا زمانی که این راه‌ها متصل نشده‌اند، اسم آن صراط مستقیم نیست، ولی وقتی همه در یک جا جمع شد، صراط مستقیم می‌شود.

پس صراط مستقیم یا همه آن سبیل‌ها می‌باشد، یا زمانی که همه آن سبیل‌ها در یک جا اجتماع پیدا می‌کنند و اتصال پیدا می‌کنند تبدیل به یک بزرگراه بنام صراط مستقیم می‌شوند.

مرحوم علامه می‌فرماید: می‌توانیم بگوییم صراط مستقیم نسبت به سبیل‌های خدا مثل روح است نسبت به بدن، همان - طوری که بدن در زندگی حالات مختلفی دارد، مثلاً زمانی که جنین است یک حالی دارد، وقتی به دنیا می‌آید به یک صورت است، وقتی رشد می‌کند و در دوران‌های مختلف به یک صورت می‌باشد و تغییر می‌کند، این‌ها تغییرات بدن انسان است ولی همه اینها در یک روح اتفاق می‌افتد و یک روح دارد، آن هم روح این شخص است، ایشان می‌گویند: نسبت سبیل‌ها و صراط اینگونه است، سبیل‌ها کأنّ مثل بدن انسان است که اطوار مختلف پیدا می‌کند و صراط مثل روح است، روح انسانی در همه این دوران‌ها آن روح اصیل و پاک بر اساس فطرت الهی است و تا آخر هم این‌گونه می‌ماند، و از بین نمی‌رود، ممکن است زنگار بگیرد ولی آن فطرتی که «فطرت الله التي فطر الناس عليها، لا تبدل لخلق الله»، فطرت انسان ممکن است متروک و محجور شود اما از بین نمی‌رود، اما بدن انسان این تغییرات و تطورات را دارد، نسبت سبیل الهی با صراط اینگونه می‌شود.

پس اجمالاً معنای صراط مستقیم و نسبت آن با سبیل الهی معلوم شد، حال باید عاجزانه‌تر از خدا بخواهیم «اهدنا الصراط المستقیم»، خواستن راه راست و گفتن آن ساده است اما هرچه ما تلاش کنیم تازه می‌توانیم خود را مقداری به این صراط نزدیک کنیم، ما خیلی تلاش کنیم مواظب جوارحمان باشیم که گناه نکنیم، اما فکر و خیال ما که یله و رها

می‌باشد، همه چیز در آن می‌باشد، از گناه و شرک و ظلم گرفته با چیزهای دیگر. اگر این‌ها را هم پاک کنیم سطح معرفت ما چقدر می‌باشد، چقدر به امام و خدا و توحید معرفت و ایمان داریم، چقدر به «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، ملتزم و معتقد هستیم، این است که در نماز وقتی می‌گوییم «اهدنا الصراط المستقیم» باید بدانیم از خدا چه چیزی می‌خواهیم.

### **بحث جلسه آینده**

اصحاب صراط مستقیم دارای ویژگی‌هایی هستند که ان شاء الله بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»